

نقش و جایگاه اولیاء دانش آموزان در مدارس و نظام تعلیم و تربیت کشور

نیلوفر فضائلی^۱

^۱ کارشناسی، حسابداری صنعتی

Nil354305@gmail.com

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی «نقش و جایگاه اولیاء دانش آموزان در مدارس و نظام تعلیم و تربیت کشور» انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی باشد. نحوه تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نهاد مدرسه و زیرمجموعه‌های آن می‌تواند گام اولیه و مهم در ارتقا نظام تعلیم و تربیت باشد. مشارکت اولیا در مدارس یکی از زیرمجموعه‌های مهم و اساسی مدرسه است که می‌تواند زمینه رشد و بالندگی در مدرسه و در نهایت نظام تعلیم و تربیت را فراهم آورد. تشکیل جلسات بر اساس نیازها، مسئول رابطه با خانواده، تشکیل جلسات توسط معلمان، آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده، انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان و فضای مدرسه از جمله راهکارهایی است که می‌تواند موجب افزایش تعامل والدین با مدرسه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و نهاد آموزش و پرورش گردد.

واژگان کلیدی: مدرسه، معلمان، دانش آموزان، اولیا، تعلیم و تربیت

۱- مقدمه

آموزش و پرورش زیربنای توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل موثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند. به تعبیر دیگر آموزش و پرورش را می‌توان یکی از نهادهای تعیین‌کننده بنیادهای فرهنگی و اخلاقی یک جامعه دانست. این نهاد از یک سو با کودکان، نوجوانان و جوانان خلاق، مبتکر و مستعد و از طرف دیگر با طیف گسترده‌ای از مردم به‌عنوان خانواده‌ها یا اولیای دانش‌آموزان در ارتباط است. بنابراین توجه بیشتر به تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و خانواده خواهد شد. از آنجایی که امر تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی فعال و کارآمد تنها وظیفه مدرسه نمی‌باشد، پس مدرسه یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش‌آموزان و دیگر سازمان‌هاست. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که در جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی فرزندان نقش اساسی ایفا می‌کند و درباره اهمیت و ضرورت نهاد خانواده در جوامع، متفکران و اندیشمندان، مباحث و موضوعات گوناگونی را مطرح کرده و هر کدام از زاویه خاص به آن نگریده‌اند و در میان همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، خانواده از جایگاه و مرتبه خاصی برخوردار است و به‌عنوان عامل اصلی القای ارزش‌ها و هنجارها شناخته شده که در رشد و تکامل شخصیت فرزندان تأثیرات عمده‌ای دارند (مدرسه هوشمند، ۱۳۹۴: ۴۸).

بدون شک همه جوامع بشری برای دستیابی به اهداف اجتماعی خویش نیازمند مشارکت همه اعضای آن هستند. مشارکت را فرآیندی توانمندساز خوانده‌اند که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به‌کارگیری گروه‌های متنوع اجتماعی در تصمیم‌گیری، درگیری مردم محلی در تعریف مشکلات، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه‌ها می‌شود (افضل‌خانی و پاکروان، ۱۳۹۲). مشارکت یک فراگرد سهیم کردن و سهیم شدن در کارهاست، کاری که می‌تواند به صورت‌های مختلف تجلی یابد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود (البرزی، ۱۳۸۲). به نظر ویلیام و چاوکین (۱۹۸۹) چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و... دخالت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است. یکی از ویژگی‌های مهم جوامع انسانی برتر، وجود پدیده مشارکت در بین افراد، نهادها و سازمان‌های آن است (گوهری و همکاران، ۱۳۹۳). بیشتر والدین بدون توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی‌شان به آموزش فرزندانشان خود علاقه‌مند هستند و در این آرزو مشترک‌اند که بچه‌هایشان در فعالیتهای آموزشی و کسب مدارج علمی عملکرد خوبی داشته باشند (شیربیگی و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان مشارکت والدین در آموزش و پرورش اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. شرکت دادن اولیا در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و پرورش، خصوصا جنبه‌هایی که به کار یا سرنوشت فرزندان آنان مربوط است، سبب ایجاد انگیزه آنان به اداره امور مدارس شده و تعهد آنان را نسبت به آن افزایش می‌دهد (یزدخواستی و پاکروان، ۱۳۸۶).

مدارس یکی از نهادهای مهم تربیتی و آموزشی جامعه هستند که نیازمند مشارکت فعال همه به خصوص خانواده‌ها می‌باشند. مشارکت جدی خانواده و مدرسه همواره مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده‌ها بوده است، اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه باعث می‌گردد ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به‌درستی صورت نپذیرد. پژوهش‌ها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل فرزندانشان بیشتر مشارکت کنند، پیشرفت تحصیلی کودکان افزایش می‌یابد. بنابراین تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش‌نیازهای یک برنامه موثر است که باید مورد توجه قرار گیرد. به‌نظر دسیمون (۱۹۹۲) اگر خانواده‌ها متوجه شوند چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری فرزندان اثرگذار است، آن وقت به برنامه‌هایی برای رشد بهتر فرزندان خویش می‌اندیشند و راهکارهایی را برمی‌گزینند تا از طریق ارتباط خانواده با مدرسه، آموزگار درک بهتری از شاگرد پیدا کند و در نتیجه احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد. از طرفی دیگر دانش‌آموز هم‌انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا می‌کند که این امر خود می‌تواند منجر به افزایش یادگیری شود (میر کی‌زاده و ستاری، ۱۳۹۶).

یکی از مشخصه‌های مدارس موفق استفاده حداکثری از مشارکت والدین است. به همین دلیل است که در کشورهای توسعه یافته همکاری میان خانه و مدرسه به صورتی منسجم درآمده و این دو نهاد، مسئولیت مشترک خویش، یعنی تربیت فرزندان جامعه را با همفکری، هماهنگی انجام می‌دهند. به‌طور کلی سهیم‌کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش موجب افزایش اطلاعات و آگاهی افراد، گسترش مشارکت در سایر زمینه‌های اجتماعی، افزایش احساس همبستگی با سایر والدین، احساس یگانگی بیشتر با سازمان‌ها، افزایش اعتماد افراد به سازمان‌ها، کاهش هزینه‌های فردی و سازمانی و افزایش اثربخشی خواهد شد (زنجانی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش:

آربری (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، چنین نتیجه‌گیری کرده است که: «رفت و آمد والدین با کادر آموزشی می‌تواند تأثیر چشمگیری بر انگیزش و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. همکاری والدین با اولیای مدرسه می‌تواند به ایجاد رابطه مطلوب

خانه و مدرسه کمک کند. بدین ترتیب می توان به افزایش شایستگی ها و کاهش مشکلات کمک کرد. قابل ذکر است اولیا در ارتباط با مدرسه نباید نگاهی انتقادی و شکایت آمیز به عملکرد عوامل مدرسه داشته باشند، بلکه لازم است نگرش اقدام مشارکتی را برای رفع کاستی ها در خود پرورش دهند.»

کریم زاده و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، چنین نتیجه گیری کرده اند: «از آنجایی که رابطه خانواده و مدرسه تعاملی و دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منجسم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانواده و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان بر عهده دارند.»

نورنژادقادی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه پدیدارشناسانه) چنین نتیجه گیری کرده اند که «مصاحبه شوندگان طیفی از موارد از قبیل پیگیری امور آموزشی و تربیتی فرزند خود، شرکت در جلسات دانش افزایی، پذیرفت مسئولیت برنامه ای در مدرسه، قضاوت در مورد عملکرد معلمان و مشارکت در تصمیمات مدرسه از طریق مجاری قانونی مثل انجمن را مطرح کرده اند که نشان دهنده یک طیف حدقلی و حداکثری است. مدیران میزان مشارکت والدین در این زمینه ها را منوط به دانش و مسئولیت پذیری والدین دانسته اند.» تقی زاده (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان نقش اولیاء در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی نیز چنین نتیجه گیری کرده است که «در چند دهه اخیر، همکاری اولیای دانش آموزان با آموزش و پرورش به علت تغییراتی که در ارزش ها و روش های زندگی در جوامع پدید آمده است بیش از پیش محرز شده است. نقش مدارس در آموزش و پرورش امروزی علاوه بر انتقال دانش، رشد شخصیتی دانش آموزان نیز می باشد و معلم امروزی باید برای دانش آموز علاوه بر معلم بودن، یک مشاور و هدایتگر نیز باشد. هدایتگری که بتواند با درک شرایط متفاوت خانواده ها پاسخ گوی انتظارات دانش آموزان باشد. لکن بدون شناخت خانواده و اولیای دانش آموزان و بدون مشارکت و همکاری آنان معلمان قادر نیستند که به این مهم دست یابند.»

بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد تا اهمیت تعامل والدین با مدارس و راهکارهای تعامل والدین با مدارس را مورد بررسی و شناسایی قرار دهد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده ها مبتنی بر شیوه کتابخانه ای و اسنادی می باشد بدین صورت که منابع و اسناد مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری گردیده و داده ها مرتبط با موضوع استخراج گردیدند. روش تحلیل داده ها نیز مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی بوده، بدین گونه که داده های مرتبط با موضوع پژوهش به تناسب اهداف پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

۳- یافته های پژوهش

با توجه به اثرات مهم و مشارکت و همکاری اولیاء در مدارس می توان به راهکارهایی جهت نزدیک تر شدن خانواده و مدرسه ارائه کرد، چرا که مشارکت و تعامل از جمله پدیده هایی است که از دیرباز وجود داشته و «همواره با زندگی انسان ها پیوند داشته است. نیاز زندگی جمعی و گروهی وجود همکاری، مساعدت و مشارکت می باشد که متناسب با شرایط اجتماعی در زمان و مکان خاص خود به صورت های مختلف شکل گرفته است.» (نوابخش و اسمی جوشقانی، ۱۳۹۱) چنان که فوی (۱۹۹۷) معتقد است که مشارکت فرآیندی توانمندساز است که موجب تحرک بخشی منابع محلی، به کار گیری گروه های متنوع اجتماعی در تصمیم گیری، درگیری افراد محلی در تعریف مشکلات، جمع آوری و تحلیل اطلاعات و اجرای پروژه ها می شود (افضل خانی و عبدی پاکروان، ۱۳۹۲). نظام تعلیم و تربیت نیز در هر جامعه ای ذاتی مشارکت جویانه دارد، چرا که ماهیت وجودی این نظام برآمده از نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده است و در پیوند فعال با آن ها عمل می کند (قاسمی پویا، ۱۳۸۱). بر این اساس می توان به راهکارهای ذیل جهت تعامل والدین با مدرسه اشاره کرد:

۱. تشکیل جلسات توسط معلمان: بر اساس بررسی های انجام شده اولیاء از جلسات محدودتر و کم جمعیت تر که توسط معلم کلاس ترتیب می یابد استقبال بیشتری می نمایند. پیشنهاد می شود که دعوت کننده ی جلسه لزوما مدیر مدرسه نباشد، بلکه معلمان به مناسبت های مختلف والدین دانش آموزان کلاس خود را به مدرسه دعوت کنند.
۲. مسئول رابطه با افراد خانواده: از تجربیات مفید در زمینه ی بهبود روابط با اولیا که می توان در ایران به خصوص در مدارس پر جمعیت و پر مساله اجرا نمود. طرح میانجی یا واسطه ی خانه و مدرسه است. میانجی گی، مجموعه فعالیت هایی است که به وسیله ی افرادی با نام میانجی

یا مسئول رابطه با خانواده انجام می‌گیرد. وظیفه میانجی که لازم است قبل از تصدی این پست آموزش جامعی دریافت کرده باشد، این است که از یک طرف با تنظیم فعالیت‌های خاص اولیاء را به درک بهتر قوانین و انتظارات مدرسه و نظارت بیشتر تحصیل و رفتار فرزندان تشویق نماید و از طرف دیگر به معلمان در دک بهتر مسائل خانوادگی دانش‌آموزان و شناخت عمیق‌تر خصوصیات فرهنگی خانواده‌ها کمک می‌کند.

۳. تشکیل جلسات بر اساس نیازها؛ برای جلب همکاری اولیاء لازم است جلساتی در طی سال برای آنان ترتیب داده شود که صرفاً به منظور رفع کمبودهای مالی مدرسه طراحی نشده است، بلکه با توجه به نیازهای خاص اولیاء که می‌تواند در هر مدرسه شرکت فعال داشته باشند طراحی شده است. چنانچه جو حاکم در این جلسات جو قبول و پذیرش یکایک شرکت‌کنندگان باشد اولیاء احساس خواهند کرد وجودشان در جلسات لازم است و نقشی موثر در آموزش و پرورش فرزندان خود دارند.

۴. آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده: از آنجا که موفقیت جلسات اولیاء و مربیان در گرو مهارت و توانایی‌های ارتباطی مجریات و اداکنندگان این جلسات است پیشنهاد می‌گردد که مدیران، معلمان و همه کسانی که مسئولیت اداره‌ی این قبیل جلسات را بر عهده دارند، در مورد ارتباط با اولیاء و تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی آنان و چگونگی ارائه کمک‌های ضروری به آنان آموزش جامع دریافت دارند.

۵. انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان: به منظور بررسی اثربخشی انجمن‌های مدارس و تلاش برای بهبود آن، پیشنهاد می‌گردد تحقیقات وسیعی از طرف انجمن اولیاء و مربیان و سایر نهادهای مرتبط در این زمینه انجام پذیرد.

۶. فضای مدرسه: موسسات آموزش عالی در زمینه نحوه‌ی اداره جلسات، محتوای برنامه‌ها، ارزشیابی آن و آزمایش راه‌ها و روش‌های جدید اداره جلسات تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند. بر اساس پژوهش‌ها پیشنهاد می‌رود تا فضای مدرسه به گونه‌ای باشد که اولیاء بتوانند به طور آزادانه در ساعات‌های مختلف بدون احساس مزاحمت به مدرسه رفت و آمد داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌گردد به هنگام طراحی فضاهای آموزشی و در ترتیب دادن و تقسیم فضا برای فعالیت‌های مختلف آموزشی و پرورشی مدرسه، فضاها و مکان‌های خاصی نیز برای پذیرش اولیاء در نظر گرفته شود تا اولیاء به هنگام مراجعه به مدرسه در محیطی که خصوصی بودن مراجعه‌ی آنان را تضمین نماید، بتوانند با معلم؛ مشاور یا مدیر مدرسه صحبت کنند یا در ساعتی روز بتوانند با حضور در این مکان‌ها به انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در جهت تکمیل و تقویت آموزش و پرورش مدرسه بپردازند.

۴- نتیجه‌گیری:

ارتباط پیوسته والدین با مدارس در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی می‌تواند نقش موثری در ارتقا نقش مدرسه در بالندگی دانش‌آموزان ایفا نماید. مشارکت فعالانه والدین در جریان امور مدرسه باعث می‌شود آن‌ها ضمن آگاهی از عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و فرزندان خود و همچنین نحوه کار معلمان و کادر مدرسه، نسبت به حل مشکلات آن‌ها با کمک دیگر اولیاء اقدام نمایند. از جمله این راهکارها که می‌تواند موجب افزایش تعامل والدین با مدارس شود و همچنین در بهبود عملکرد نظام آموزش و پرورش نقش موثری ایفا نمایند و مشارکت اولیاء را در اداره امور مدرسه افزایش دهد می‌توان به انجام تحقیقات در مورد انجمن‌های اولیاء و مربیان، فضای مدرسه، تشکیل جلسات بر اساس نیازها، تشکیل جلسات توسط معلمان و آموزش مدیران و معلمان در زمینه‌ی ارتباط با خانواده اشاره کرد.

منابع:

- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۱)، مشارکت مردمی در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- نوابخش، مهرداد؛ اسمی جوشقانی، زهرا (۱۳۹۱)، عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای دانش آموزی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴، صص ۱۲۲ - ۱۰۵.
- افضل خانی، مریم؛ پاکروان، مژگان (۱۳۹۲)، بررسی شیوه‌های بهینه در مشارکت اثربخش اولیاء و مردم در مدارس، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی)، جلد ۲، شماره ۹، صص ۱۴۶ - ۱۳۷.
- آربری، محسن (۱۳۹۹)، نقش والدین در امور تحصیلی فرزندان، نشریه رشد آموزش مشاور مدرسه، دوره شانزدهم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۹.
- البرزی، شهلا (۱۳۸۲)، روش‌های نوین ارتباط والدین با مدرسه، انتشارات پژوهشکده‌ی خانواده.
- تقی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۵)، نقش اولیاء در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، آذرماه ۱۳۹۵، تهران.
- زنجانی زاده، هما؛ دانایی، مجید؛ سلیمی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه علمی - ترویجی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جلد ۱، شماره ۱، صص ۱۰۱ - ۷۱.
- شیرینی، ناص؛ عزیزی، نعمت‌الله؛ امیری، شیلا (۱۳۹۴)، واکاوی مفهوم مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان از دیدگاه والدین و معلمان، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، جلد ۷۲، شماره ۲، صص ۵۴ - ۲۱.
- کریم‌زاده، عنایت؛ نوروزی، مهدیه؛ خیری‌نیا، حسینعلی؛ ظفری نژاد، عادل (۱۳۹۹)، واکاوی مشارکت والدین درباره آگاهی از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان (دختر) در پایه اول ابتدایی، نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناختی، تابستان ۱۳۹۹، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۵۴ - ۴۵.

مدرسه هوشمند (۱۳۹۴)، روابط تعاملی دو طرفه بین خانه و مدرسه، مجله از لینک، شماره ۲، صص ۵۲ - ۴۸.

میرکی زاده، مهدی؛ ستاری، صدرالدین (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مشارکت والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم شهر گرگان، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم.

نوروزنژادقادی، محمد؛ سراجی، فرهاد؛ یوسفزاده چوسری، محمدرضا (۱۳۹۸)، ادراک اولیاء و مدیران از مشارکت والدین در امور مدرسه (مطالعه‌ای پدیدارشناسانه)، دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۵۶ - ۳۱۹.

یزدخواستی، بهجت؛ عباسزاده، محمد (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت والدین دانش آموزان در امور مدرسه‌ای دانش آموزان مقطع متوسطه استان آذربایجان شرقی، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۳، صص ۶۲ - ۴۵.